

سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. در میان نعمتهای بی شمار الهی - که ما توان شمارش آنها را نداریم ﴿وإن تعدّوا نعمة الله لا تحصوها﴾ (النحل ۱۶ / ۱۸) - خداوند مهرگستر، تنها به یک نعمت والا بر آدمیان منت نهاد: بعثت خاتم رسولان ﷺ بر مردمان، تا آیات الهی را بر آنان تلاوت کند، جانهای آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. (آل عمران ۳ / ۱۶۴) به تعبیر دیگر، انسان به سبب این نعمت بی مانند، راه بهره‌وری درست از دیگر نعمتهای مادی و معنوی - مانند آب و نان و دوستی و دشمنی و احساسهای گوناگون - را فرامی‌گیرد و بدون نعمت هدایت، تمام آن نعمتهای دیگر، در مسیر انحراف - و دست کم در ورطه بی حاصلی - می‌افتد.

۲. عالم عامل ربّانی جناب سیّد رضی‌الدین علیّ ابن طاووس در کتاب اقبال الاعمال، در گفتاری ژرف و کوتاه در مورد بعثت خاتم الانبیاء ﷺ می‌نویسد:

رحمتی بر بندگان گسترده شد و بشارتی به سعادت دنیا و آخرت به مردم رسید، با اذنی که خداوند مهرگستر به سیّد المرسلین داد تا رسالتی را که از جانب ربّ العالمین دارد، به تمام مردمان اظهار کند. سعادت به اشراق این خورشید، به اندازه‌ای است که دل‌های مرده با نبوت حضرتش جان گرفت و راههای هدایتی که پیش پای مردمان روشن شد، زبان و قلم، از بیان ارزش آن ناتوان‌اند؛ چرا که عظمت این مقام در اندیشه‌ها ننگجد و در ذهنها جای نگیرد.

۳. جناب سیّد ابن طاووس، در بیان علت سخن خود می‌نویسد:

مردم در آن زمان، در گمراهی خود سرگردان بودند: یهود در قید ضلالت خود در مخالفت با حضرت موسی علیه السلام می‌زیستند و نصاری در بند سخنان زشت خود درباره حضرت عیسی علیه السلام. مشرکان جزیره العرب نیز رهرو راه چارپایان بودند و بدور از خرد به بت‌پرستی می‌گذرانیدند. دیدگان باطن را نمی‌دید، گوشها سخن درون را نمی‌شنید، دلها بینایی نداشت. در این میان، گوهری بی‌مانند به نام محمد صلی الله علیه و آله برانگیخته شد تا به دل‌های سرگردان راه نماید و روان‌های راه‌گم‌کرده را به سرمنزل انسانیت برساند. بدین روی، همواره باید در بزرگداشت این رویداد بزرگ آسمانی - که در زمین تیره رخ نمود - با قلم و بیان و قبول و دعوت به آن بکوشیم. (اقبال الاعمال، ذیل اعمال روز ۲۷ رجب)

۴. به بیان ابن طاووس، باید نکاتی افزود: هرچه نعمت والاتر، ضرورت شکر آن بالاتر و عقوبت کفران آن بیشتر است. نعمت، به ناسپاسی، نعمت می‌شود و کفران، کیفر در پی دارد. کلام راهگشا و کلیدی جواد الائمه علیهم السلام، بس هشداردهنده است: «نعمه لا تُشکر کسیئة لا تُغفر» (نعمتی که شکر آن ادا نشود، مانند گناهی است که بخشوده نشود). (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵). عظمت گناه نابخشودنی ناسپاسی نعمت والای نبوت، به اندازه عظمت نعمت نبوت، سنگین و بزرگ است.

۵. تاریخ گذشته برای عبرت گرفتن است و گرنه، از نقل و بازگویی رویدادهای گذشته چه سود؟ کتاب سترگ الهی بارها کیفر کافران را بازگفته است؛ از جمله در سورة شعراء. همچنین نسبت به یاری نکردن (خذلان) پیامبران توسط مردم هشدار داده است. این هشدارها برای عبرت گرفتن آیندگان است؛ از آن روی که زلال کلام الهی همواره جریان دارد، همان‌گونه که خورشید و ماه همواره تابان است و نور می‌افشانند؛ یعنی که از این شجره طیبه، هر لحظه باید میوه تازه برگرفت.

۶. اهداف بعثت زمانی تحقق می‌یابد که مردم - به ویژه مدعیان پیروی آیین الهی - به یاری دین بشتابند؛ چراکه خدای تعالی با وجود قدرت قاهره خود، بنای



مداخله در ارادهٔ مردم را نداشته، منشورهایی همچون «لا إكراه في الدين» (بقره ۲) / (۲۵۶) را به جهانیان اعلام داشته است. از سوی دیگر، لوای «من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً» (بقره ۲) / (۲۴۵) را برافراشته و پیامبرش حضرت عیسی مسیح، فریاد «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» (آل عمران ۳) / (۵۲) را برمی آورد. این همه، تذکری است به همگان، تا وظیفهٔ عقلی خود را یاد آورند و از آن روی برنتابند، وگرنه پیامدهایی هولناک در انتظار آنان خواهد بود.

۷. بیش از یکصد سال پیش، در سال ۱۳۳۰ هجری قمری، ارتش روس آن روز، با تجاوز به حریم خراسان، به خود اجازهٔ جسارت به حریم حرم رضوی صلوات الله علیه داد. مرحوم آیت الله سید حسن صدر کاظمی در ضمن اجازهٔ روایتی به شیخ آقابزرگ تهرانی - که در همان روزها صادر شده - به این فاجعهٔ بزرگ اشاره می کند و می نویسد:

آنچه دلها را مجروح و جگر را پاره می کند، آن است که مسلمانان دست از یاری همدیگر برداشته و نسبت به یاری حرم شریف مستی پیشه کرده اند؛ به دلیل اهداف شخصی و بهانه های شیطانی، که آنها را از حمیت دینی و نوامیس اسلامی بازداشته است؛ زیرا آنان [طبق کلام امام حسین (علیه السلام)] بندهٔ دنیایند و دین فقط کلامی است لرزان بر زبانهایشان. از آن دم می زنند تا وقتی که زندگیهایشان بدان بچرخد. اما زمانی که در آزمونی دشوار آزموده شوند، دینداران اندک می شوند. (مقدمهٔ اجازه روایتی سید حسین صدر به شیخ آقابزرگ تهرانی، نشریه کتاب شیعه، شماره ۱، ص ۴۱۱)

۸. هجده سال پس از آن - در سال ۱۳۴۸ قمری - آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی - عالم مجاهد حریم عقاید در برابر انواع فرقه ها و اندیشه ها - از نجف اشرف، نامه ای به سید نجم الحسن هندی می نویسد. این دردنامه - که تاکنون متن آن منتشر نشده - گزارشی است از تلاشهای بلاغی در جهت پاسخگویی به انحراف قادیانی گری که در آن زمان، ضلالتی نو پدید بوده است. مرحوم بلاغی ضمن آن



نامه می نویسد:

کتابی مختصر در ردّ قادیانیّه نگاشتم. سالها گذشت، ولی امکان نشر آن را نیافتم، با آنکه برای این کار، درهای مختلفی را کوبیدم. می بینم که قادیانیها برای ترویج ضلالت خود، اموال فراوانی هزینه می کنند، ولی مسلمانان برای دفاع از حقّ خود، ایثار نمی کنند؛ گرچه ثروتمندانی نیز دارند. من اگر چیزی برای فروش داشتم تا کتاب خود را به چاپ برسانم، چنین می کردم؛ چنان که در مورد کتابهای دیگر خود چنین کردم. اکنون این کتاب را با اندکی بازنگری به حضور شما می فرستم تا به چاپ برسانید... در اثنای نوشتن همین نامه، بسته ای از سوریه توسط پست به دستم رسید، شامل تعدادی از کتابهای قادیانیهای سوریه که در لوای ردّ مسیحیان، تبلیغ مرام قادیانیّه را در بردارد...

۹. اینک، ماییم و این همه امکانات و این همه ضرورت در دنیای پیچیده ارتباطات و اطلاعات، که بهترین فرصت را برای نشر پیام الهی دین، در اختیار ما نهاده است؛ فرصتی که هرگز در اختیار گذشتگان نبوده است.

کجاست گوشی که پیام وجدان و انصاف را از سر سرای تاریخ بشنود؟ آن روز، پیشتازان دین با کمترین امکانات، بیشترین توان خود را - بلکه فوق طاقت خود - به کار گرفتند تا گرفتار قصور و تقصیر نشوند. امروز ما با این همه توان مالی و اعتباری و تبلیغی و این همه پشتوانه انتشاراتی و علمی چه می کنیم؟

۱۰. هشدار درشت ناک خداوند قهار منتقم را باید هماره در گوش داشته باشیم: ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾. (محمد ﷺ (۴۷) / ۳۸) و کلام مهمّ جناب علی بن ابراهیم قمی ذیل آن:

و إن تَوَلَّوْا عن ولاية أمير المؤمنين ﷺ يستبدل قوماً غيركم، قال: يدخلهم في هذا الأمر، ثم لا يكونوا أمثالكم في معاداتكم و خلافكم و ظلمكم لآل محمد ﷺ.



۱۱. در دعایی که از آستان مقدس ثامن الائمه - صلوات الله علیه - در باب حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - صادر شده، ضمن طلب توفیق از خداوند سبحانه برای یاری حضرتش جمله‌ای می‌خوانیم که درون مایه آن پیوندی با آیه یاد شده دارد:

وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصُرُ بِهِ لَدِينِكَ وَتَعِزُّ
بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا؛ فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ،
وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ.